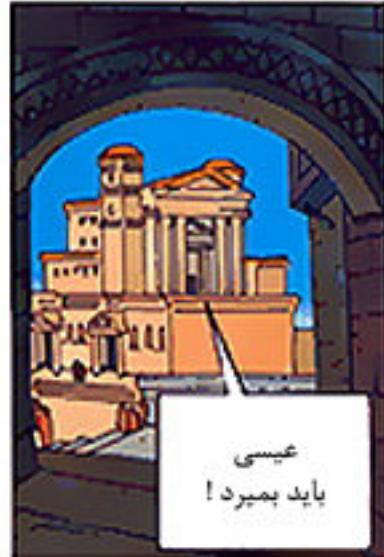


عیسی مسیح

((بخش سوم))



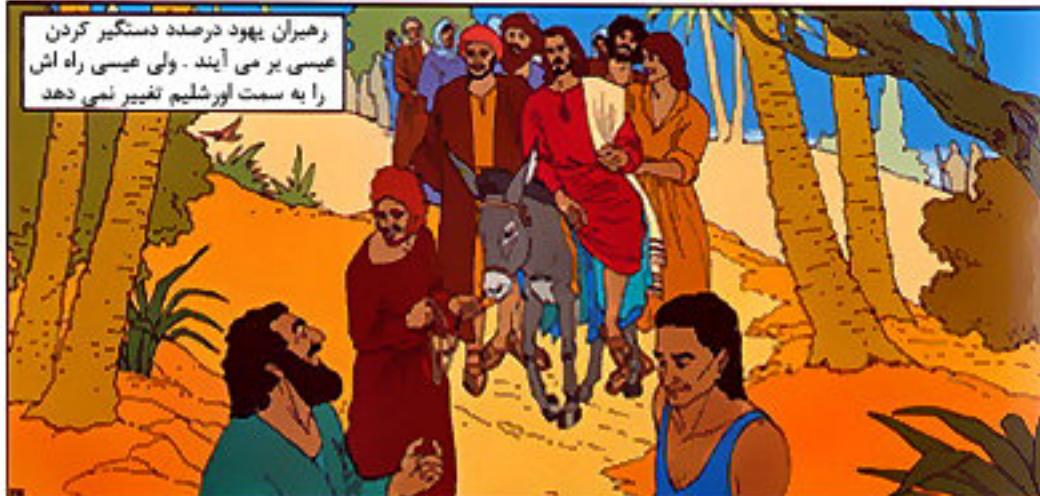
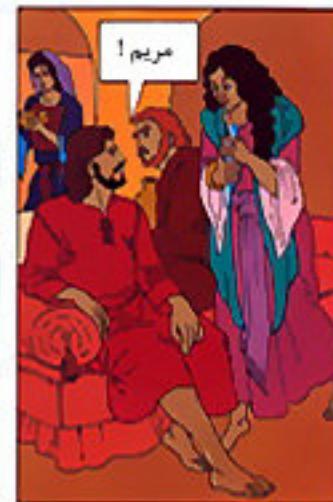
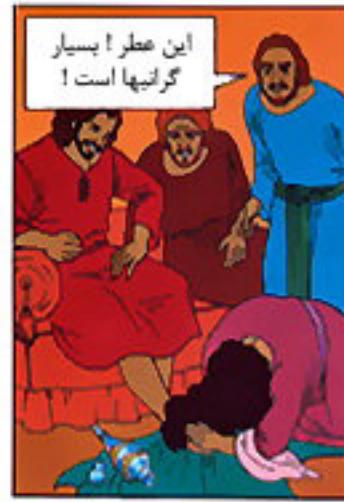
از همان لحظه روشن می شود
که رهبران یهود دنبال فرصتی
می گردند تا عیسی را به
رومیان تحويل دهند تا او را
به مرگ محکوم کنند.



ای مراراوه تو رامی خواهم
نخواست خودم را

در وقت وقوع حوادث در بیت عنیا
ضیاقتی برگزار می شود

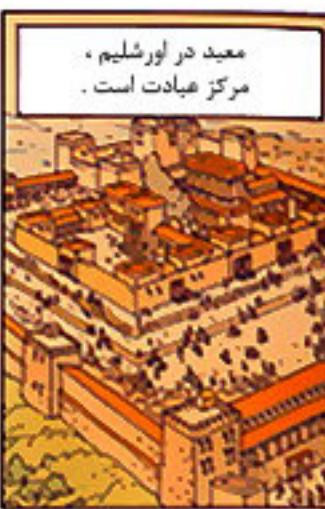
کم کم عید بزرگ نزدیک میشود ، مردم از گوشه
و گtar کشور در اورشلیم جمع میشوند .



یک قسمت خاصی از گوسفند
به حافظ آشی مردم با خدا
سوخته می شود.

در هنگام عید بزرگ گوسفندها
قربانی می شوند.

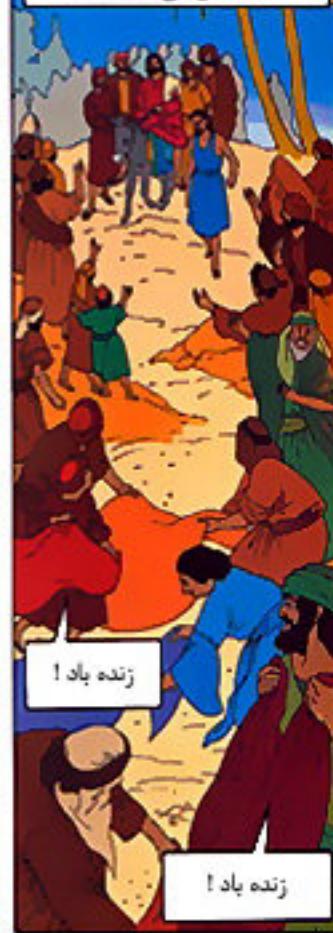
معبد در اورشلیم ،
مرکز عبادت است.



زنده باد این مردی که
یه اسم خدا می آید!

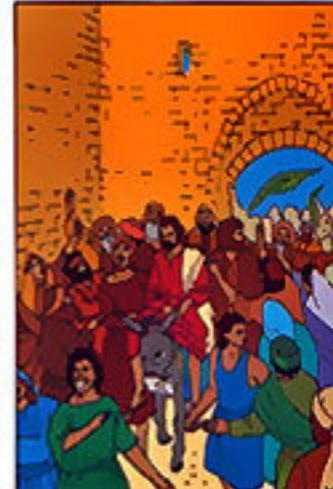
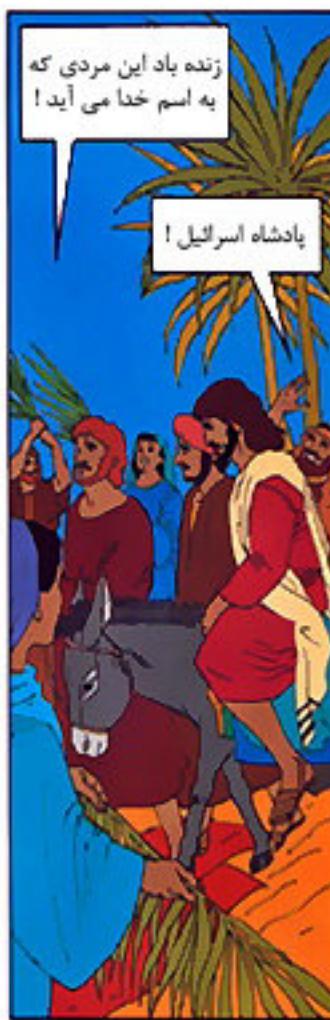
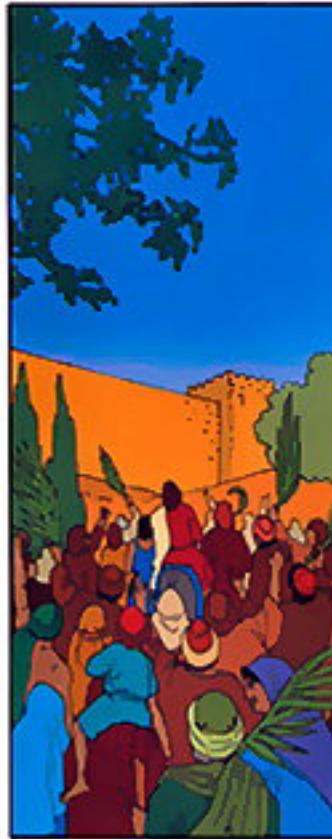
پادشاه اسرائیل!

مردم با آواز بلند از او
استقبال می نمایند.



در محوطه معبد تاجران و صرافان به گسب
و گار خود مشغول هستند.

اما کدام یک از گوسفندان قربانی شده
شایسته تبرکه مردم از گناهان میباشد؟

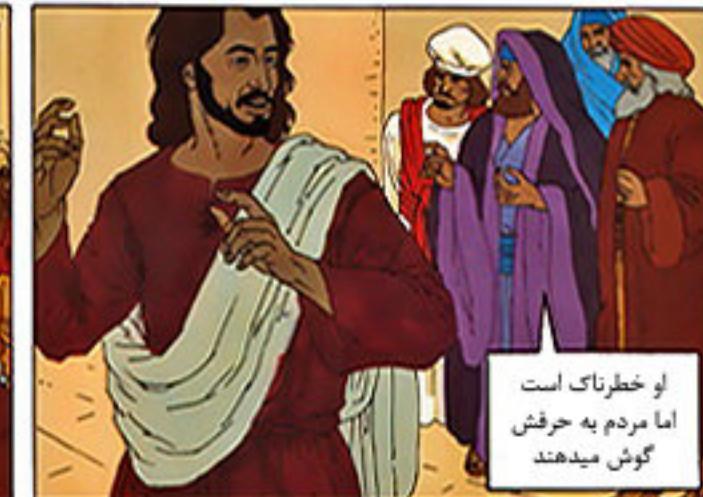
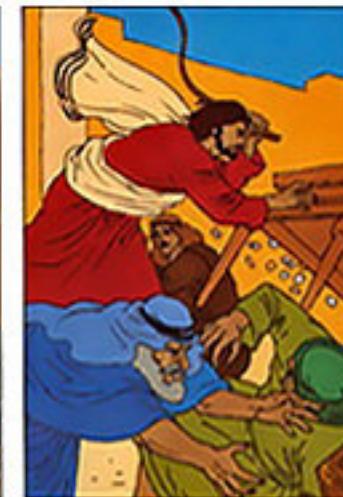
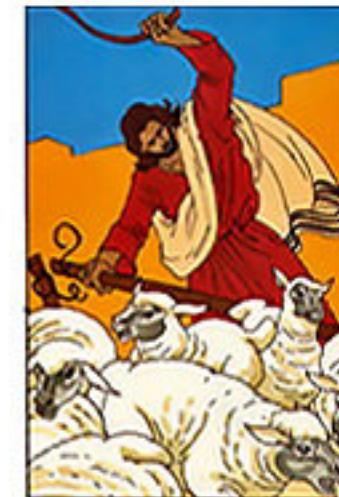
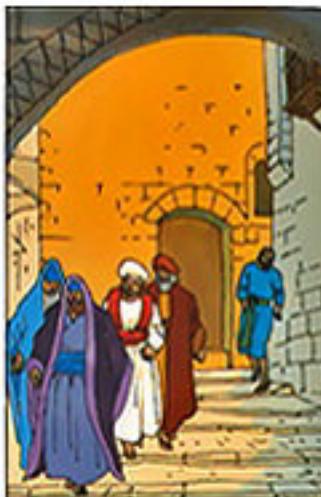
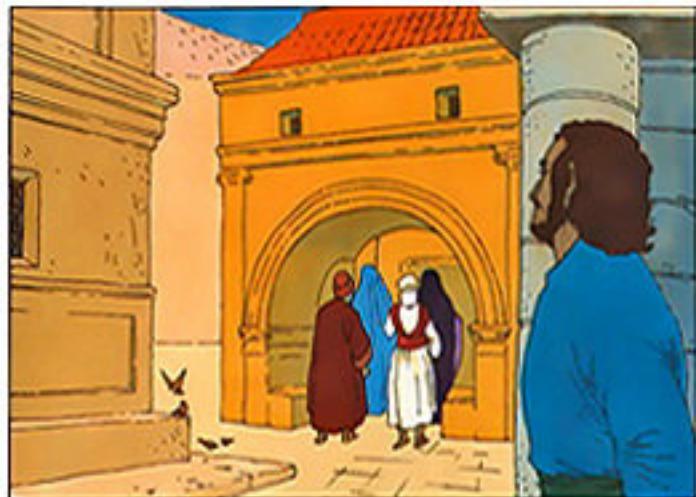


ناگهان عیسی وارد
صحنه می شود.

بیتیید تمام دنیا
بدنبال لو می رود.

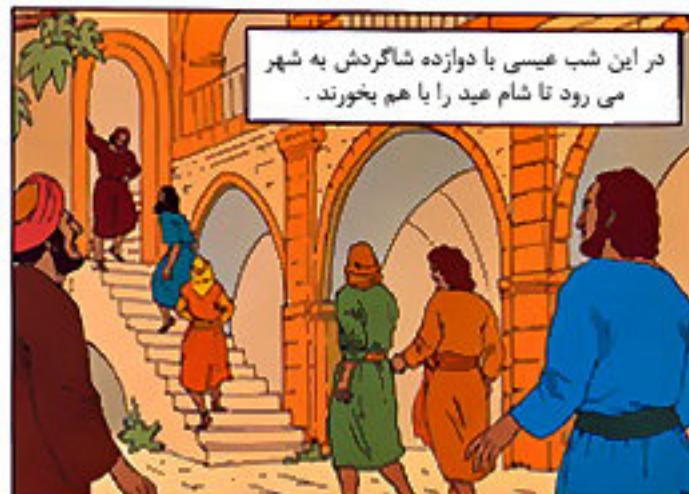
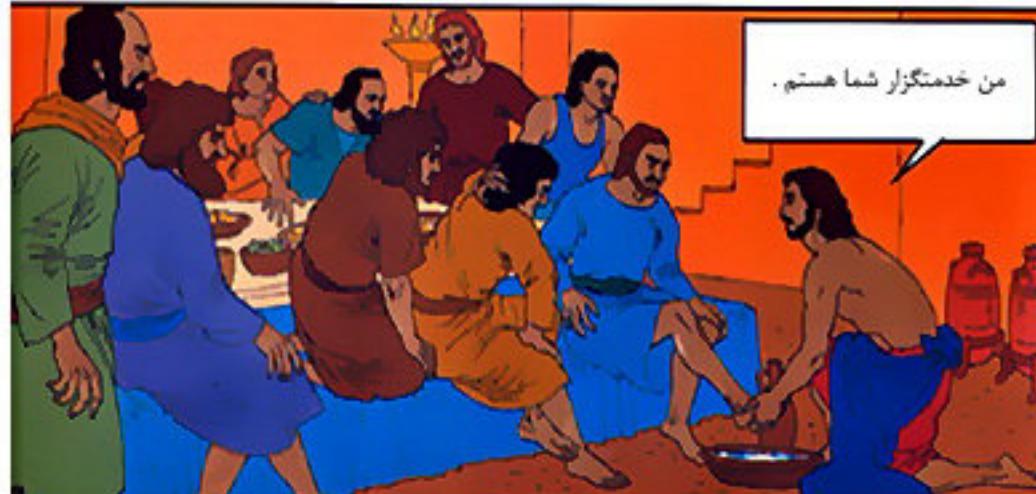
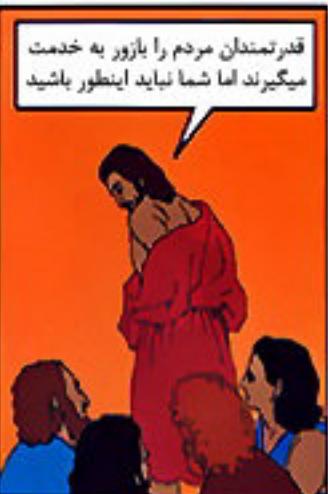
هیچ کاری از ما
ساخته نیست

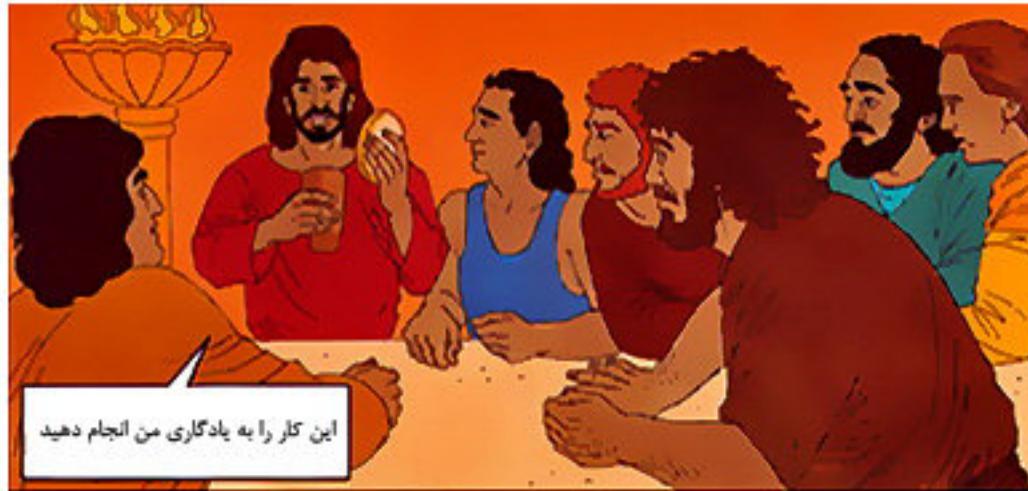




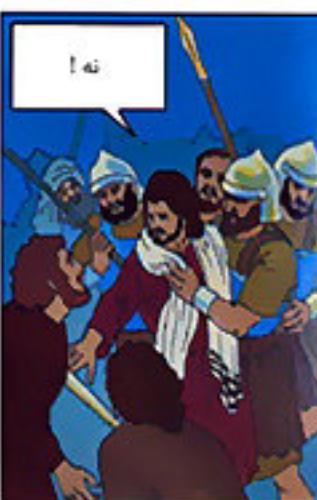
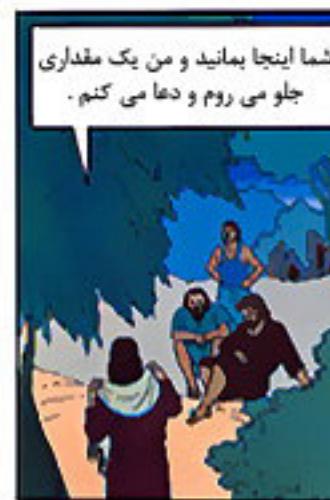
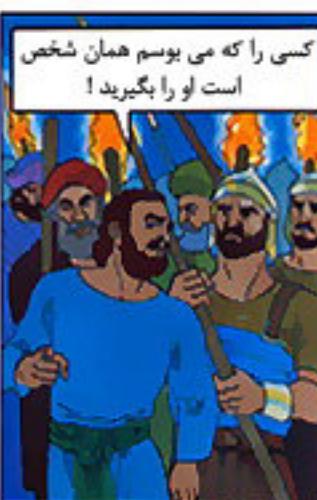


هیسی هر روز به معبد می‌رود تا به مردم تعلیم بدهد با اینکه رهبران مذهبی به سخنی تلاش می‌کنند زندگی لو را تحت فشار قرار بدهند.





شب میشود و عیسی با شاگردانش از شهر خارج میشود
اما یهودا همراه ایشان نیست



عیسی را به خانه کاهن اخylum که رئیس رهبران یهودی است
می آورند و پطرس و یوحنا از دور بدینالشان می ایند.

